

چکیده

«تاریخ یمینی» به قلم ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی در آغازین سالهای قرن پنجم هجری به عربی تألیف شده و ناصح بن ظفر جرفادقانی در (۶۰۳ هجری) آن را به فارسی ترجمه نموده که به «ترجمه تاریخ یمینی» مشهور است. این کتاب از جمله نمونه های بارز نثر فنی فارسی و از جهات گوناگون حائز اهمیت و قابل بررسی می باشد. اطلاعات تاریخی آن ما را با بخشهایی از حوادث دوران «ناصرالدین سبکتکین»، «یمین الدوله، سلطان محمود غزنوی»، خاندانها، شخصیت‌های مهم آن روزگار و نمونه هایی از اشعار و رسالات علما و ائمه آن دوران آشنا می نماید. نثر کتاب زیبا و دلپذیر و در برخی موارد مغلق و مصنوع است.

این تحقیق به منظور بررسی ویژگیهای زبانی و سبکی ترجمه تاریخ یمینی و براساس متن تصحیح شده کتاب، به کوشش دکتر جعفر شعارصورت گرفته است. بر این اساس تحقیق حاضر در یک مقدمه و شش فصل تنظیم گردیده است. در فصل اول مباحث آوایی شامل ابدال، حذف و افزایش واجها بررسی گردیده است. در فصل دوم مقولات صرفی (فعل، اسم، صفت، ضمیر، قید، حرف و شبه جمله) بررسی شده اند. فصل سوم به ویژگیهای نحوی اثر اختصاص دارد. در فصل چهارم تأثیرات زبان عربی بر متن، شامل کاربرد مفردات، ترکیبات، جملات عربی و آیات، احادیث، اشعار و امثال و حکم عربی بیان می شود. فصل پنجم به سطح لغوی اختصاص دارد و در فصل ششم نمونه برخی آرایه ها و صناعات ادبی به کار رفته در کتاب ارائه شده است.

روش کار در این تحقیق مطالعه کتابخانه ای است و در جای جای، نتایج مطالعات به صورت داده های آماری بیان گردیده است.

کلمات کلیدی:

سبک، زبان، آوا(واج)، صرف، نحو، تأثیر زبان عربی، لغت، آرایه های ادبی.

صفحه	عنوان مطلب
۱	چکیده
۲	فهرست مطالب
۱۶	پیش گفتار
۱۷	شرح حال مؤلف تاریخ یمینی (ابونصر عتبی)
۱۸	شرح حال مترجم (ناصح بن ظفر جرفادقانی)
۱۹	مقدمه (مختصری در باب متون تاریخی)
۲۰	نثر فنی
۲۱	مختصات سبک نثر فنی در ترجمه تاریخ یمینی
۲۲	اهمیت ادبی کتاب
۲۴	اهمیت تاریخی کتاب
۲۶	فصل اول: بررسی سطح آوایی
۲۷	مقدمه
۲۸	بخش یک: ابدال
۳۰	<i>قسمت اول: ابدال مصوت</i>
۳۰	<i>قسمت دوم: ابدال صامت</i>
۳۳	بخش دوم: حذف یا کاهش
۳۳	<i>قسمت اول: کاهش مصوت</i>
۳۴	<i>قسمت دوم: کاهش صامت</i>
۳۴	بخش سوم: افزایش
۳۵	بخش چهارم: نکاتی در باب برخی واجها
۳۷	بخش پنجم: بحثی درباره رسم الخط (نسخه چاپی دکتر شعار)

فصل دوم: بررسی سطح صرفی

۳۹

مقدمه

۴۰

بخش یک: فعل

۴۰

قسمت اول: ساختمان فعل

۴۱

۱- فعل ساده

۴۱

۲- فعل پیشوندی

۵۲

۳- فعل مرکب

۵۶

۴- چند نکته درباره فعل مرکب

۶۹

۵- عبارت فعلی

۷۲

۶- فعلهای پیشوندی مرکب

۷۹

قسمت دوم: زمانهای فعل

۸۰

۱- فعل ماضی

۸۱

۱-۱: ماضی ساده

۸۱

۱-۲: ماضی استمراری

۸۲

۱-۲-۱: ماضی استمراری با جزء پیشین «می»

۸۲

۱-۲-۲: ماضی استمراری با مصوت «ای» در آخر

۸۳

۱-۲-۳: ماضی استمراری با جزء پیشین «همی»

۸۳

۱-۲-۴: ماضی استمراری باضمایر مفعولی یا اضافی +ی=فعل شرطی

۸۳

۱-۲-۵: ماضی استمراری با جزء پیشین «می» و مصوت «ای» در آخر

۸۴

۱-۳: ماضی نقلی

۸۴

۱-۴: ماضی التزامی

۸۵

۱-۵: ماضی بعید

۸۶

۱-۶: ماضی ابعد

۸۷

۲- فعل مضارع

۸۷

۲-۱: مضارع ساده

۸۸

۲-۲: مضارع اخباری

۸۹

۹۰	۳-۲: مضارع التزامی
۹۱	۴-۲: کاربرد ساختهای فعل مضارع به جای یکدیگر
۹۲	۳- آینده (مستقبل)
۹۴	۴- فعل امر
۹۵	قسمت سوم: وجه فعل
۹۵	۳-۱: وجه اخباری
۹۵	۳-۲: وجه التزامی
۹۶	۳-۳: وجه امری
۹۶	۳-۴: وجه شرطی
۹۷	۳-۵: وجه تمنایی
۹۷	۳-۶: وجه خیال
۹۸	قسمت چهارم: تنمۀ مبحث فعل
۹۸	۴-۱: فعل آغازی
۹۹	۴-۲: فعل مجهول
۱۰۱	۴-۳: فعل های ناقص
۱۰۱	۴-۴: فعل های تابع
۱۰۱	۴-۵: کاربرد برخی افعال ساده که امروز متروک هستند
۱۰۲	۴-۶: بقاء تأکید بر سر فعل
۱۰۴	۴-۷: جدول آماری افعال
۱۰۶	بخش دوم: اسم
۱۰۷	قسمت اول: ساختمان اسم
۱۰۷	۱- اسم ساده
۱۰۷	۲- اسم مرکب (غیر ساده)
۱۰۷	۲-۱: مرکب وندی
۱۰۷	۲-۱-۱: مرکب وندی با پیشوند
۱۰۸	۲-۱-۲: مرکب وندی با پسوند
۱۱۲	۲-۲: مرکب اسمی

۱۱۳	۳-۲: مرکب فعلی
۱۱۴	۴-۲: مرکب وصفی
۱۱۵	قسمت دوم: اسم از نظر کاربرد نشانه های جمع
۱۱۸	جدول شماره یک
۱۲۰	جدول شماره دو
۱۲۴	بخش سوم: صفت
۱۲۵	قسمت اول: ساختمان صفت
۱۲۵	۱- صفت ساده
۱۲۵	۲- صفت مشتق
۱۳۱	۳- صفت مرکب
۱۳۳	۴- صفت مشتق - مرکب
۱۳۵	قسمت دوم: صفت شمارشی (عددی)
۱۳۵	۱- صفت شمارشی اصلی
۱۳۵	۲- صفت شمارشی ترتیبی
۱۳۶	۳- صفت شمارشی توزیعی
۱۳۷	قسمت سوم: صفت تفضیلی و عالی
۱۳۸	قسمت چهارم: صفت جانشین اسم
۱۳۹	قسمت پنجم: تنه مباحث صفت
۱۳۹	۱-۵: اسم در معنی صفت
۱۳۹	۲-۵: تأخیر صفت
۱۳۹	۳-۵: تأنیث صفت
۱۴۰	۴-۵: ترکیب وصفی مقلوب
۱۴۰	۵-۵: مطابقت صفت و موصوف
۱۴۱	بخش چهارم: ضمیر
۱۴۲	۱-۴: ضمیر شخصی
۱۴۲	۱-۱-۴: ضمیر شخصی منفصل (جدا)
۱۴۴	۲-۱-۴: ضمیر شخصی متصل (پیوسته)

۱۴۵	۲-۴: ضمیر اشاره
۱۴۶	۳-۴: ضمیر مشترک
۱۴۷	۴-۴: ضمیر مبهم
۱۴۹	۵-۴: ضمیر ملکی
۱۵۰	۶-۴: ضمیر پرسشی
۱۵۰	۷-۴: ضمیر شمارشی

بخش پنجم: قید

۱۵۱	
۱۵۲	قسمت اول: قید به عنوان یک مقوله دستوری
۱۵۲	۱-۱: قید مختص
۱۵۲	۲-۱: قید مشترک
۱۵۴	قسمت دوم: قید از نظر ساختمان
۱۵۴	۱-۲: قید ساده
۱۵۵	۲-۲: قید مرکب
۱۵۶	۳-۲: گروه قیدی
۱۵۷	۴-۲: قید مؤول
۱۵۸	قسمت سوم: قید از جهت معنی و مفهوم
۱۵۸	۱-۳: قید زمان
۱۵۹	۲-۳: قید مکان
۱۵۹	۳-۳: قید مقدار
۱۶۰	۴-۳: قید کیفیت (چگونگی)
۱۶۱	۵-۳: قید حالت
۱۶۱	۶-۳: قید تأکید و تصدیق
۱۶۲	۷-۳: قید نفی
۱۶۳	۸-۳: قید علت
۱۶۳	۹-۳: قید قصد
۱۶۴	۱۰-۳: قید اختصار
۱۶۴	۱۱-۳: قید استثنا
۱۶۵	۱۲-۳: قید تکرار

۱۶۵	۱۳-۳: قید تشبیه
۱۶۵	۱۴-۳: قید تدریج
۱۶۶	۱۵-۳: قید ترتیب
۱۶۶	۱۶-۳: قید تمناً
۱۶۷	۱۷-۳: قید تبراً و ادب
۱۶۷	۱۸-۳: قید پرسش
۱۶۷	قسمت چهارم: قیدهای عربی
۱۶۸	۱-۴: کلمات تنوین دار
۱۶۸	۲-۴: ترکیبات عربی
۱۶۹	۱-۲-۴: جار و مجرورهای عربی
۱۶۹	۲-۲-۴: سایر ترکیبات و قیود عربی
۱۶۹	بخش نهم: حرف
۱۷۰	قسمت اول: حرف اضافه
۱۷۱	الف: حرف اضافه ساده
۱۷۱	۱- از
۱۷۵	۲- با
۱۷۷	۳- بر
۱۸۰	۴- به
۱۸۴	۵- تا
۱۸۷	۶- در
۱۸۹	۷- را
۱۸۹	۸- بی
۱۹۰	۹- برای
۱۹۰	۱۰- چون
۱۹۰	۱۱- مگر
۱۹۱	۱۲- جز
۱۹۱	ب: حرف اضافه مرکب
۱۹۱	۱- از بهر

۱۹۱	۲- از روی
۱۹۱	۳- از سر
۱۹۱	۴- از جهت ، از سبب
۱۹۲	۵- از برای
۱۹۲	۶- از بی
۱۹۲	۷- بسبب (به سبب)
۱۹۲	۸- به توسط
۱۹۳	۹- بر مثال
۱۹۳	۱۰- از جمله
۱۹۳	۱۱- در باب
۱۹۳	۱۲- در باره
۱۹۳	۱۳- در حق
۱۹۴	قسمت دوم: حرف ربط
۱۹۴	الف: حرف ربط ساده
۱۹۴	۱- اگر
۱۹۴	۲- اما
۱۹۵	۳- چون
۱۹۵	۴- چه
۱۹۵	۵- که
۱۹۶	۶- و
۱۹۶	۷- تا
۱۹۶	۸- یا
۱۹۷	ب: حرف ربط مرکب
۱۹۷	۱- اگر چه
۱۹۷	۲- بلکه
۱۹۸	۳- چنانکه
۱۹۸	۴- چندانکه
۱۹۸	۵- هر گاه که
۱۹۸	۶- همچنانکه

۱۹۹	نکته: (نوعی دیگر از تقسیم بندی حرف ربط)
۲۰۰	قسمت سوم: حرف نشانه
۲۰۱	۱- «را»
۲۰۱	۲- «-» یا کسره اضافه
۲۰۲	۳- نشانه های ندا
۲۰۲	بخش هفتم: صوت یا شبه جمله
۲۰۵	فصل سوم: بررسی سطح نحوی
۲۰۶	مقدمه
۲۰۶	بخش اول: جمله از نظر مفهوم و چگونگی بیان
۲۰۶	۱- جمله خبری
۲۰۷	۲- جمله پرسشی
۲۰۸	۳- جمله عاطفی
۲۰۸	۴- جمله امری
۲۰۸	بخش دوم: جمله از حیث نظم طبیعی اجزاء آن
۲۰۸	۱- جمله مستقیم
۲۰۹	۲- جمله غیر مستقیم
۲۰۹	بخش سوم: جمله از حیث داشتن مفهوم مستقل
۲۰۹	۱- جمله ناقص
۲۱۰	۲- جمله مستقل (کامل)
۲۱۰	بخش چهارم: جمله از حیث ساختمان
۲۱۰	۱: جمله ساده
۲۱۰	۲: جمله مرکب
۲۱۱	انواع جمله مرکب

- ۲۱۱: جمله مرکب شرطی
- ۲۱۱: جمله مرکب موصولی
- ۲۱۲: جمله مرکب نقل قول
- ۲۱۳: جمله مرکب با فعل اصلی و تابع

بخش پنجم: روابط جملات پایه و پیرو

- ۲۱۳: ۱- جمله پیرو مؤول به نهاد
- ۲۱۴: ۲- جمله پیرو مؤول به مفعول صریح
- ۲۱۵: ۳- جمله پیرو مؤول به مفعول غیر صریح
- ۲۱۵: ۴- جمله پیرو مؤول به قید
- ۲۱۶: ۴-۱: جمله پیرو مؤول به قیدزمان
- ۲۱۶: ۴-۲: جمله پیرو مؤول به قید علت
- ۲۱۷: ۴-۳: جمله پیرو مؤول به قیدشرط
- ۲۱۷: ۴-۴: جمله پیرو مؤول به قید مکان

بخش ششم: برخی عیوب جملات

بخش هفتم: جمله مرکب از نگاهی دیگر

- ۲۱۸: ۱- تأویل به مصدر اصلی
- ۲۱۸: ۱-۱: در حالت مفعول صریحی
- ۲۱۹: ۱-۲: در حالت مسند الیهی
- ۲۲۰: ۱-۳: در حالت مضاف الیهی
- ۲۲۰: ۲- تأویل به مصدر بدلی
- ۲۲۱: ۲-۱: بدل از مسند
- ۲۲۱: ۲-۲: بدل از مفعول صریح
- ۲۲۱: ۲-۳: بدل از مفعول غیر صریح
- ۲۲۲: ۳- تأویل به صفت اصلی
- ۲۲۲: ۳-۱: در حالت فاعلی
- ۲۲۲: ۳-۲: در حالت مسندالیهی

۲۲۳	۴- تأویل به صفت بدلی
۲۲۳	۴-۱: در حالت مفعول صریحی
۲۲۳	بخش هشتم: در خاتمه جمله مرکب
۲۲۳	۱- همپایگی و نا همپایگی در جمله های مرکب
۲۲۵	۲- نتیجه بحث مرکب
۲۲۵	بخش نهم: جملات معترضه
۲۲۶	۱- جمله معترضه دعایی
۲۲۶	۱-۱: جمله معترضه دعایی فارسی
۲۲۶	۱-۲: جمله معترضه دعایی عربی
۲۲۷	۲- جمله معترضه توضیحی
۲۲۸	بخش دهم: بحثی درباره نهاد
۲۳۴	بخش یازدهم: فعل و کاربرد آن در جمله
۲۳۵	۱- جایگاه فعل در جمله
۲۳۷	۲- جدایی اجزاء فعل مرکب
۲۳۸	۳- تکرار فعل
۲۳۹	۴- حذف فعل
۲۴۱	بخش دوازدهم: بحثی درباره قید
۲۴۲	۱۲-۱: متمم قیدی
۲۴۳	۱۲-۲: جمله های مؤول به قید
۲۴۳	بخش سیزدهم: فعل تابع
۲۴۳	۱۳-۱: فعل تابع به صیغه ماضی تام
۲۴۴	۱۳-۲: فعل تابع به صیغه مضارع التزامی
۲۴۴	۱۳-۳: فعل تابع به صیغه مصدر تام
۲۴۴	۱۳-۴: فعل تابع به صیغه مصدر کوتاه
۲۴۵	بخش چهاردهم: تنمّه مباحث جمله

فصل چهارم: تأثیر زبان عربی بر ترجمه تاریخ یمینی

۲۴۸

۲۴۹

مقدمه

۲۵۱

بخش یک: مفردات

۲۵۲

۱-۱: حروف

۲۵۴

۱-۲: اسم فاعل و اسم مفعول

۲۵۵

۱-۳: مصدر های عربی

۲۵۵

۱-۴: صیغه مبالغه

۲۵۶

۱-۵: اسم تفضیل

۲۵۶

۱-۶: جمع های عربی

۲۵۷

۱-۷: صفت نسبی

۲۵۸

۱-۸: اسم زمان و اسم مکان

۲۵۹

۱-۹: کلمات تنوین دار

۲۵۹

۱-۱۰: اسم ابزار

۲۵۹

بخش دوم: ترکیبات عربی

۲۶۱

بخش سوم: جار و مجرور ها

۲۶۲

بخش چهارم: جملات عربی

۲۶۲

۴-۱: جملات معترضه

۲۶۲

۴-۲: آیات

۲۶۳

۴-۳: احادیث

۲۶۳

۴-۴: ذکر تاریخ ایام به عربی

۲۶۴

۴-۵: ضرب المثل های عربی

۲۶۴

۴-۶: اسم و کنیه و القاب و عناوین اشخاص به عربی

۲۶۵

۴-۷: اشعار عربی

۲۶۶

۴-۸: اسلوب جمله بندی به روش عربی

فصل پنجم: بررسی سطح لغوی

۲۶۸

مقدمه

۲۶۹

لغات

۲۷۱

فصل ششم: بررسی سطح ادبی

۲۸۹

مقدمه

۲۹۰

بخش یک: بدیع

۲۹۱

قسمت اول: صنایع و آرایه های لفظی

۲۹۱

۱- سجع:

۲۹۱

۱-۱: سجع متوازی

۲۹۱

۱-۲: سجع مطرف

۲۹۲

۱-۳: سجع متوازن

۲۹۲

۲- موازنه یا مما ثله

۲۹۳

۳- ترصیع

۲۹۳

۴- تضمین المزدوج یا اعنات القرینه

۲۹۴

۵- جناس

۲۹۴

۵-۱: جناس تام

۲۹۵

۵-۲: جناس لفظ

۲۹۵

۵-۳: جناس مرکب

۲۹۵

۵-۴: جناس خط یا تصحیف

۲۹۵

۵-۵: جناس ناقص یا محرف

۲۹۶

۵-۶: جناس زاید

۲۹۶

۵-۷: جناس اشتقاق

۲۹۷

۵-۸: جناس قلب یا مقلوب

۲۹۷

۶- واج آرایبی

۲۹۷

۲۹۸	قسمت دوم: آرایه های معنوی
۲۹۸	۱- تضاد
۲۹۸	۲- مراعات نظیر (تناسب، مؤاخات)
۲۹۹	۳- تلمیح
۳۰۰	۴- ارسال المثل یا تمثیل
۳۰۰	۵- استثنای منقطع
۳۰۰	۶- ایهام تناسب
۳۰۱	۷- اغراق و غلو
۳۰۱	۸- ایضاح بعد از ایهام
۳۰۲	۹- تشبیه
۳۰۳	۱۰- استعاره
۳۰۳	۱-۱۰: استعاره مکنیه
۳۰۴	۲-۱۰: استعاره مصرحه
۳۰۴	۱۱- کنایه
۳۰۵	۱۲- مجاز
۳۰۶	قسمت سوم: استفاده از آیات، احادیث، امثال و حکم، اشعار
۳۰۶	۱-۳: اقتباس از آیات قرآن
۳۰۸	۲-۳: نقل و استفاده از احادیث نبوی
۳۰۹	۳-۳: درج امثال و حکم
۳۱۰	۴-۳: درج اشعار در متن
۳۱۱	بخش دو: علم معانی
۳۱۲	قسمت اول: معانی ثانوی جملات خبری
۳۱۲	۱- خبر در معنی بشارت یا فرح و انبساط خاطر
۳۱۲	۲- خبر در مفهوم اظهار تأثر و اندوه بر امری
۳۱۲	۳- خبر در معنی ارشاد و تنبیه
۳۱۳	۴- خبر در معنی تخییر
۳۱۳	۵- خبر در معنی توییح و ملامت

۳۱۳	۶- خبر در معنی استرحام
۳۱۳	۷- خبر مفید معنی تعظیم و تحسین
۳۱۴	قسمت دوم: معانی ثانوی جملات انشایی
۳۱۴	۱- جملات امری
۳۱۴	۱-۱: امر در معنی ارشاد و تنبیه
۳۱۴	۱-۲: امر در معنی تعجیز و تهدید مخاطب
۳۱۴	۲- جملات استفهامی
۳۱۴	۲-۱: استفهام مفید معنی انکار و نفی
۳۱۵	۲-۲: استفهام مفید معنی تردید
۳۱۵	۲-۳: استفهام مفید معنی سرزنش
۳۱۵	۲-۴: استفهام در معنی تأسف و تحسّر
۳۱۵	۳- جملات ندایی
۳۱۵	۳-۱: ندا در معنی تفاخر
۳۱۵	۳-۲: ندا در مفهوم تحسّر و توجّع
۳۱۶	قسمت سوم: ایجاز، اطناب، مساوات
۳۱۶	۱- ایجاز
۳۱۶	۲- اطناب
۳۱۷	۳- مساوات
۳۱۷	قسمت چهارم: خاتمه فصل ششم
۳۱۸	گزیده منابع و مأخذ

پیش‌گفتار

از آغاز تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و حتی پیش از آن - زمانیکه برای شرکت در آزمون مشغول مطالعه بودم - مهمترین دغدغه فکری من یافتن موضوعی مناسب برای پایان‌نامه بود. از اولین روز ورود به کلاس و حضور در محضر استادان عزیز، نظر به اهمیت این موضوع، همه سروران با درایت، تجربه و آینده‌نگری خویش، ما را متوجه این مهم نمودند و با رهنمودهای خویش، عرصه‌های وسیعی از موضوعات گوناگون را فراروی ما گشودند تا فراخور ذوق و علاقه خویش، یکی را برگزینیم. با این حال گزینش موضوع مشخص و قابل‌عرضه و مطابق معیارهای موجود، بیش از یکسال به طول انجامید. در این یکسال به موضوعات بسیاری اندیشیدم از جمله بررسی و تحلیل آثار ادبی بویژه نظم و نثر قدیم، یک چند نیز سودای جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل مقالات استادان صاحب‌نظران معاصر ادبیات فارسی را می‌پروردم. حقیقت آنست که در مدت جستجو برای یافتن موضوع، بنا به دلایلی که ذکر آن موجب اطالۀ کلام است - هرگز به بررسی‌های زبانی و سبکی به عنوان موضوع پایان‌نامه نیندیشیده بودم اما پس از استشاره از استادان محترم گروه، بویژه سروران عزیز جناب دکتر سمیع زاده و جناب دکتر آذرینا به این مقوله علاقه مند گشتم و به سبب علاقه‌ای که به تاریخ‌داشتم بررسی ویژگیهای زبانی و سبکی ترجمۀ تاریخ‌یمینی را برگزیدم. چه خوش بود که برآید به یک کرشمه دو کار.

ناگفته نماند بنده در مدت پانزده سال معلمی، بارها مباحث دستور زبان را در حد کتب مقطع متوسطه تدریس کرده بودم و با برخی از مباحث دستور زبانی مختصر آشنایی داشتم و البته بسیاری از مقولات دستوری برایم غامض بود. پس از تلمذ در محضر استادان ارجمند و شروع کار در موضوع پایان‌نامه، اندک‌اندک افق‌های جدید و روشنی از مسائلی که تصویری اجمالی از آنها داشتم بر من آشکار گردید و در مدتی که مشغول تحقیق بودم با راهنمایی و مشاوره استادان عزیز خویش، نکاتی آموختم که علاوه بر آن که لذت دانستن را در وجودم بر می‌انگیخت مرا در امر تدریس و انجام بهتر و دقیق‌تر و وظایف شغلی ام بسیار کمک نمود.

به زعم بنده دشوارترین بخش کار، جمع بین نظرات استادان دستور زبان - که گاهی درباره برخی موضوعات نظرات متفاوتی دارند - یا برگزیدن یکی از آن میان بعنوان مبنای کار بوده است. از دیگر مشکلاتی که سبب طولانی شدن زمان تحقیق گردید، وسعت و کثرت موضوعات و حجم زیاد متن مورد بررسی بود. با این حال به لطف خدا و راهنمایی و مشاوره استادان دانشمند و دلسوز، سروران جناب استاد دکتر رضا سمیع زاده و جناب استاد دکتر محمد تقی آذر مینا، این تحقیق در حد بضاعت و بصورت متن پیش رو تهیه و آماده گردید. امید است که مورد قبول آن سروران قرار گیرد. و از آن «روی ملال در نکشند».

از کلیه استادان عزیز و فاضل گروه ادبیات فارسی که در مدت تحصیل، سعادت درک محضرشان را یافته ام و خوشه چین خرمن علم و معرفتشان بوده ام صمیمانه سپاسگزارم و از سر تواضع و حق‌گزاری بر دست یکایک ایشان بوسه می‌زنم، زیرا

شکر منعم واجب آید در خرد
ور نه بگشاید در خشم ابد

و ضمن آرزوی تندرستی و کامیابی برای ایشان از زبان مولانا جلال الدین می‌گویم:

از خدا یابی جزا های شریف
قوت شُکرت ندارد این ضعیف

شکر، حق گوید تو را ای پیشوا
آن لب و چانه ندارم و آن نوا

شرح حال مؤلف تاریخ یمینی (ابونصر عتبی)

ابو نصر محمد بن عبد الجبار عتبی از مردم ری و از فحول افاضل ایران در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است. وی مورخ و دبیر و شاعر بوده و در علم و ادب و فصاحت و بلاغت رتبه کمال داشته است. در آغاز جوانی ترک دیار کرده و بخراسان نزد دایی خود ابونصر عتبی که از وجوه عمال سامانیان بود رفت و در تحت حمایت و رعایت او به کسب علم و ادب و ادبیات عرب و فقه و حدیث و تفسیر و... و مطالعه تاریخ و سیر پرداخت و به سبب لیاقتی که داشت به دربار امیر رضی ابوالقاسم نوح بن منصور هفتمین پادشاه سامانی راه و جاه یافت رئیس برید نیشابور شد و چند سال هم صاحب دیوان رسائل عمادالدوله ابوعلی سیمجور، امیر و سپهسالار خراسان بود. در فضل بمثابتی بود

که شمس المعالی قابوس وشمگیر چون دستش از تاج و تخت کوتاه شد بر صحبت و مجالست او مؤانستی می یافت. پس از مرگ خواجه بزرگ سید الوزراء ابوالحسن عتبی، فتنه ها بر خاست تا اینکه ابو منصور ناصرالدین سبکتکین بر خراسان مسلط شد و فتنه ها آرام گرفت محمد عتبی در صحبت او به غزنین رفت و دیوان رسایل ناصرالدین به حضور او آراسته شد. عتبی آزاد مردی فرزانه و متین و فروتن و گشاده رو بود و در نظم و نثر بر بیشتر معاصرین خود برتری داشت. در آغاز سلطنت محمود غزنوی ریاست برید «کنج رستاق» که ناحیه ای پهناور میان مرو و بادغیس بود بدو مفوض شد. والی کنج رستاق که پیری فرعون طینت بود درباره او سعایتها می کرد اما خواجه احمد بن الحسن میمندی همچنان او را در آن شغل می داشت اما عتبی عذر خواست و رخصت گرفت و در نیشابور ساکن شد. در آن دوران (سده پنجم) در اقطار اسلامی بویژه خراسان بازار علم و ادب رونقی داشت و در نیشابور و بلاد دیگر آن سامان مشاعل دانش فروزان بود و کتابخانه های عمومی و خصوصی و مخازن مخطوطات مدارس و مساجد به نشر معارف کمک می نمود. عتبی در نیشابور از این گنجینه های سودمند بهره مند می شد و طبعش به مطالعه تواریخ بیشتر مایل می گشت. عتبی تاریخی در شرح مواقف و مقامات و مغازی سلطان یمین الدوله محمود غزنوی به تازی تالیف کرد که به مناسبت لقب سلطان محمود (یمین الدوله) به «تاریخ یمینی» مشهور است و در آن شرح سلطنت ناصر الدین سبکتکین پدر سلطان محمود و سلطنت سلطان محمود را تا سال ۴۱۲ ه. ق ذکر کرده است. ضمناً برخی از احوال آل سامان، آل بویه، آل زیاد، و... را در آن درج نموده است. عتبی در ۴۲۷ ه. ق در گذشت. محمد عوفی در لبالب الالباب در وصف تاریخ عتبی گوید: «الحق کتابی است که غرائب بیان و روایع کلماتش در لطافت آب زلال و طراوات با دشمال است.»^۱

شرح حال مترجم (ناصر بن ظفر جرفادقانی)

ابوالشرف ناصر بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی (گلیپایگانی) از دبیران بنام دوره سلجوقی است که در نثر و نظم عربی استادی ماهر و در زبان پارسی توانا و قاهر بود و در دستگاه بعضی از ممالیک

۱- در تهیه این بخش از مقاله آقای علی قویم درباره سرگذشت ابونصر عتبی استفاده شده است.

اتابکان آذربایجان که پس از برافتادن دولت اتابک محمد جهان پهلوان و برادرش عثمان قزل ارسلان بر قسمتی از ایران غربی و مرکزی استیلا یافته بودند می زیسته. از شرح حال وی اطلاعات چندانی در دست نیست و آنچه هست نیز بیشتر از متن کتاب «ترجمه تاریخ یمینی» و «خاتمه یمینی» که ضمیمه متن اصلی می باشد؛ به دست آمده است. در دوره او احوال عراق و مردم آن پریشان و بازار علم و دانش کساد بود. آن دوران مصادف است با تاخت و تاز خوارزمشاهیان و درگیری و جنگ های آنان با امرای سلجوقی که حاصل آن کشتار و غارت مردم، بی سامانی و قحطی و پراکنده شدن علما و فضلا در اقطار عالم است. جرفادقانی در خاتمه یمینی (ص ۴۳۲ و ۴۳۳) چنین می گوید: «حال رعیت از حد بیان گذشت..... اهل عیث و فساد غلبه گرفتند و کارها از ضبط بیفتاد و مردم عاقل مرگ آرزو کردند و جربادقان درین محنت با دیگرشهرها مشارک بود..... وهر آفت که درحوالی عراق حادث می شد سر بدین خطه بر می آورد.» تا آنکه «جمال الدین آی ابه (ایبه) الغ باربک» یکی از ممالیک اتابکان آذربایجان توانست بر قسمتی از ایران غربی و مرکزی مسلط شود و امن و آسایش نسبی در آن خطه بر قرار نماید. با صواب دید «ابوالقاسم علی بن الحسین بن محمد بن ابی حنیفه» وزیر الغ باربک، و تشویق او، جرفادقانی کار ترجمه تاریخ عتبی (یمینی) را در سال ۶۰۳ ه. ق. آغاز می نماید. جرفادقانی به تصریح خود در مقدمه ترجمه تاریخ یمینی، دو اثر نیز داشته است که مجموعه اشعار وی بوده اند به نام های «روضه الخزن» و «شعله القابس» نیز در خاتمه یمینی (ص ۴۴۰) از کتاب دیگر خود به نام «تحفه آفاق فی محاسن العراق» یاد می کند که آن را در بیان مفاخر «علی بن محمد بن ابی الغیث» که مستوفی حضرت بوده است؛ کتابت نموده است. سال تولد و مرگ وی در منابع ذکر نشده است.

مقدمه (مختصری در باب متون تاریخی)

از آنجا که متن مورد نظر ما از متون تاریخی است مختصری در باب متون تاریخی فارسی بیان می گردد. «یکی از مظاهر فرهنگ ملت ایران پس از اسلام تاریخ نویسی است که بتقریب از آغاز قرن چهارم هجری به بعد مورخان بزرگی همچون طبری و دیگران نخست به تدوین متن های کامل

تاریخ جهان (از آدم تا روزگار خویش به شیوه آن زمان) به زبان عربی که زبان علمی آن دوران بود پرداختند و آنگاه ترجمه برخی از این گونه متن ها به زبان دری بویژه متن هایی که مخصوص پادشاهان سرزمین ایران بود رواج یافت. ترجمه تاریخ یمنی نیز یکی از این متن هاست.^۱ متن های تاریخی فارسی را از چند نظر می توان مورد مطالعه قرار داد. برخی از این متون جزو کتب مبانی و مآخذ هستند و مورد مراجعه و احیاناً اقتباس تاریخ نویسان قرار گرفته اند (مانند: تاریخ جهانگشای جوینی) همچنین متون تاریخی از نظر محتویات و مطالب نیز به چند دسته کلی قابل تقسیم هستند برخی از آنها تاریخ عمومی هستند دسته دیگر اختصاص به ذکر وقایع قرن یا قرنهای معین یا سلسله ها و خاندانهای خاصی دارند (مانند تاریخ بیهقی یا تاریخ یمنی) همچنین شیوه تدوین و تألیف این متون نیز متفاوت است. برخی صرفاً وقایع نامه است و مؤلف در بیان مطالب راه ایجاز را پیموده و از موضوع اصلی خارج نشده است (مانند تاریخ گرد یزی) دسته دیگر کتابهایی است که اگر چه عنوان تاریخ دارند، اما مطالب متنوع دیگر نیز در آنها دیده می شود (مانند راحه الصدور) دسته دیگر کتابهایی هستند که مؤلفان آنها وقایع را وسیله تفنن و هنر نمایی قرار داده، به طوری که خواننده در فهم مراد مؤلف (یا مترجم) دچار اشکال می شود، و به قول مرحوم ملک الشعراء بهار «خواندن آنها اهل فضل و ادب را نیز ممکن است گاهی خسته و ملول کند» بخشهایی از ترجمه تاریخ یمنی نثر متکلفانه است و همین ویژگی را دارد با این حال غالب قسمتهای متن به نثری آراسته، زیبا و خواندنی نگاشته شده و برای علاقه مندان تاریخ بسیار مفید و مورد استفاده می باشد.

نثر فنی

نثر فارسی از آغاز تا امروز مراحل مختلفی در مسیر تطوّر و تکامل پیموده است. «نثر محاوره» اولین مرحله از مراحل نثر به شمار می آید و در آن گوینده کلیه تعبیرات و لغاتی را که زبان محاوره در دسترس اندیشه او می گذارد؛ به کار می برد. پس از آن در «نثر خطابه» برای نخستین بار ضوابطی

^۱ - ترجمه تاریخ یمنی، محمد پروین گنابادی، راهنمای کتاب، جلد دهم، ص ۴۲۳